

## آسیای مرکزی

# افغانستان. درمانده میان طاعون طالبان و وبای جنگ داخلی

نوشته [Karla Mary](#) محقق روابط بین الملل در Sciences Po Grenoble

ترجمه شروین احمدی

با تسریع خروج ارتش آمریکا از افغانستان ، به نظر می رسد طالبان در شرف پیروزی نظامی در این کشور است. ناتوانی ارتش افغانستان در برابر این تهاجم ، جنگ سالارانی را وارد نبرد کرده است که در ماه های اخیر مجدداً به شدت مسلح شده اند.

در حالی که بخشی از مردم برای دفاع از خود در برابر طالبان بسیج می شوند ، نیروهای دولتی هم از نظر نظامی و هم روحی، شکست خورده به نظر می رسند . طالبان مدعی هستند که ۱۶۰ از ۴۰۰ ولسوالی کشور را تحت کنترل خود درآورده اند. در حالی که نیروهای نظامی دولتی در جبهه ها به حال خود رها شده و به چشم انتظار دریافت حقوق و تسلیحات مناسب اند. تعداد کمی از سربازان حاضرند جان خود را برای یک ستاد فرماندهی و یک دولت فاسد فدا کنند. افسران ارشد که در پشت یک میز راحت و امن در جایی در کابل نشسته اند ، فقط به حیب زدن هزاران دلار می اندیشند.

به نظر می رسد هیچ برنامه و طرح جنگی ای به وضوح مشخص نشده است و نیروهای نظامی دولتی در حال «عقب نشینی تاکتیکی» از مراکز ولسوالی ها هستند و غیرنظامیان را در چنگال شورشیان رها می کنند. در روزهای آغازین ژوئیه ۲۰۲۱ ، هزاران سرباز وحشت زده از حملات طالبان به تاجیکستان گریختند.

## شورشیان برانگیخته شده و پر شور

در مقابل ارتش دولتی ، یک نیروی شورشی با انگیزه ایستاده است که احساس می کند پیروزی نزدیک است و توسط رهبرانی تشویق می شود که اغلب تصویر زیبایی از اوضاع ارائه می دهند. به عنوان مثال ، در تاریخ ۹ ژوئن ، سخنگوی طالبان در مسکو به خبرنگاران گفت که امارت اسلامی افغانستان ۸۵٪ از کشور را تحت کنترل خود درآورده است. هر چند این ادعای اغراق آمیز توسط دولت به شدت انکار شد ، اما طالبان در چشم انداز دستیابی به قدرت به شدت برانگیخته شده و پر شورند.

در حالی که جمعیت روستایی در مواجهه با سرنوشت خود تنها مانده ، غیرنظامیان مجبور می شوند تحت رهبری روسای ده یا ولسوالی ، که اغلب جنگ سالار هستند ، اسلحه برداشته و دوباره متحد شوند.

در ولسوالی چارکنت در ولایت بلخ ، ساکنان زندگی خود را با سلیمان مزاری ، یکی از معدود زنان جنگجوی محلی ، از تبار هزاره ، پیوند زده اند. اگر چه تاکنون شبه نظامیان موفق شده اند طالبان را عقب برانند اما سوال این است که تا کی می توانند مقاومت کنند.

## Orient XXI .

نشریه اینترنتی درباره سیاست، فرهنگ، اجتماع، اقتصاد، دیپلماسی ژوئیه ۲۰۲۱



افغانها براساس پیوند قومی متحد می شوند زیرا فقط می توانند به جامعه تباری خود اعتماد کنند. این امر موجب شکاف در کشور می شود. افغانستان براساس تخمین ها از ۳۸٪ پشتون (گروهی که طالبان به آن تعلق دارند) ، ۲۵٪ تاجیک ، ۱۹٪ هزاره و ۶٪ ازبک و همچنین سایر اقلیت های کوچک تشکیل شده است.

دولت وعده داده که به مردم اسلحه تحویل دهد تا آنها به «وظیفه» ملی خود ، دفاع از میهن ، عمل کنند. اما هنوز مشخص نیست که آیا دولت قادر خواهد بود به قول خود عمل کند ، زیرا نیروهای نظامی دولتی ماه هاست که از کمبود سلاح و مهمات برای دفاع از مواضع خود شکایت دارند. بخشی از مردم که به نام دفاع از میهن مسلح می شوند ، بیشتر با انگیزه مبارزه با طالبان است تا حمایت از نیروهای دولتی. با تعدد بازیگران جنگی ، افغان ها شبح جنگ داخلی را دوباره در حال ظهور می بینند.

## اهمیت دخالت کشورهای دیگر

به دنبال خروج شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۹ و سقوط رژیم رئیس جمهور محمد نجیب الله سه سال بعد از آن، گروه های مختلف مجاهدین به پیروزی رسیده با خشونت بی سابقه به جان هم افتادند. گرچه احزاب سیاسی مخالف حمله شوروی با یکدیگر بر اساس توافق نامه پشاور در سال ۱۹۹۲ برای تشکیل دولت موقت متحد شدند ، اما گلبدین حکمتیار که از سوی سرویس های مخفی پاکستان حمایت می شد، رویای دست یابی به قدرت انحصاری را داشت. او در سال ۱۹۹۲ کابل را بمباران کرد که جز قربانیان زیادی در میان غیرنظامیان ، و ایجاد هرج و مرج نتیجه دیگری نداشت. در حالی که یک دولت موقت به سختی در حال شکل گیری بود ، احزاب مختلف با خشونت ، اغلب به دلایل قومی، با یکدیگر درگیر شدند.

نباید به دخالت خارجی در پیدایش چنین وضعیتی کم بها داد. هرچند در نقش محوری پاکستان در حمایت از حکمتیار و سپس طالبان شکی نیست اما این کشور تنها مداخله گر خارجی نبود. نیروهای عبد الرشید دوستم ، یک ژنرال و جنگ سالار ازبکستانی، از سوی ازبکستان پشتیبانی می شدند. او که مدتها در دولت نجیب الله با مجاهدین جنگیده بود کمی قبل از سقوط از او جدا شد و به مجاهدین پیوست. حزب وحدت اسلامی افغانستان ، با عنوان اختصاری حزب وحدت ، که جریانی شیعه است توسط ایران حمایت میشد در همانحالی که عربستان سعودی پشتیبان شبه نظامیان وهابی الاتحاد الاسلامیه بود.

سرانجام ، طالبان برتری یافتند و در سال ۱۹۹۶ کابل را فتح ، و نوعی نظم ، هرچند وحشیانه ، را به کشور تحمیل کردند. موفقیت آنها برای دست یافتن به قدرت انحصاری مدیون حمایت قاطع پاکستان ، اسامه بن لادن و عربستان سعودی بود.

با این حال حکومت آنها هرگز به طور کامل پذیرفته نشد. چندین جناح از مجاهدین برای تشکیل « ائتلاف شمال» گرد هم آمده اند و جنگ سالاران تحت رهبری ژنرال مشهور، احمد شاه مسعود، متحد شدند. حملات القاعده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به نیویورک و واکنش واشنگتن به آن ، نقطه عطف جدیدی برای شروع جنگ های مداخله گرانه ای بود که ایالات متحده به طور مستقیم درگیر آن ها شد. طالبان در سال ۲۰۰۱ سرنگون شدند.

## شکست خلع سلاح

کهنه سربازان این جنگها هرگز اسلحه خود را زمین نگذاشتند. با حمایت و کنترل غرب، برای خلع سلاح و ادغام مجدد رزمندگان سابق در جامعه، چهار بار تلاشهایی انجام گرفت. هیچ کدام از این برنامه ها بدلیل عدم تناسب با ویژگی های محلی موفقیت آمیز نبود: افغانها به دولت تازه تأسیس توسط ایالات متحده آنقدر اعتماد نداشتند که از سلاح ها، ابزار دفاعی خود ، دست بکشند. خلع سلاح نظامی یک کشور چالشی است طولانی مدت و تنها در صورتی امکان پذیر می باشد که دولت بتواند توانائی خود را در محافظت از کل جمعیت کشور نشان دهد ، کاری که دولت کابل طی دو دهه گذشته قادر به انجام

آن نبوده است. در ماههای اخیر، جنگ سالاران مجدداً به جلوی صحنه بازگشته اند زیرا که دولت مرکزی آشکارا از کمک آنها برای عقب راندن طالبان حمایت می کند و یا حداقل آنها را می پذیرد.

بدین ترتیب، این رهبران تاریخی مجاهدین، خانواده های با نفوذ سابق و مردان نیرومند هستند که جنگ را رهبری می کنند. هیچ رهبری ملی ظهور نکرده است. هر شبه نظامی به دفاع از دهکده خود، جامعه خود، ولسوالی خود می پردازد. سردار جنگی معروف عبدالغنی علیپور شخصیت شماره یک جامعه هزاره (شیعه و فارسی زبان) است. او در زمان جنگ داخلی، فرمانده حزب وحدت اسلامی بود و در سال ۲۰۰۴ در برنامه خلع سلاح شرکت کرد. اما، با بازگشت طالبان و دیگر گروه های افراطی، برای دفاع از جامعه خود دوباره در سال ۲۰۱۴ اسلحه به دست گرفت.

هزاره ها به دلیل وابستگی قومی و مذهبی (شیعه) مدت هاست که هدف اصلی طالبان - و همچنین داعش (سازمان دولت اسلامی) هستند که از ژانویه ۲۰۱۵ در افغانستان فعال است. هزاره ها مرتباً در جاده شماره ۲ دره میدان، که به دره مرگ معروف است، ربوده یا کشته می شوند. علیپور و شبه نظامیان او در حال حاضر چندین ولسوالی در ولایت وردک را کنترل می کنند و نفوذ او تا بامیان گسترش یافته است. اعتقاد بر این است که وی حدود ۲۰۰۰ جنگجو را حول خود گرد آورده است.

## بازگشت رهبران سنتی

اقلیت ازبک نیز بنوبه خود مجدداً تحت رهبری مارشال عبدالرشید دوستم گرد آمده اند. مارشال دوستم قبل از رسیدن به معاونت رئیس جمهور بین سالهای ۲۰۱۴ و ۲۰۲۰ به مجاهدین پیوسته بود. او به

داشتن رفتاری وحشیانه مشهور و به سوء استفاده های جدی و جنایات جنگی به ویژه تجاوز ، شکنجه و غارت متهم شده است. گزارش های روزنامه نگاران خارجی و همچنین دیده بان حقوق بشر وی را مسئول آدم ربایی و تجاوز به یک رهبر رقیب در سال ۲۰۱۶ می داند. وی اکنون خود را آزاد کننده شمال می خواند.

عطا محمد نور ، فرماندار سابق و فرمانده جنگی مجاهدین تاجیکستان قول داده است که میهن خود ، مزارشریف را آزاد کند. او در زمانی که استان بلخ به دست طالبان افتاده بود ، خواستار بسیج ملی شد. به همین ترتیب ، محمد اسماعیل خان ، یکی دیگر از رهبران تاجیک و فرماندار سابق ، متعهد شده است که استان خود را آزاد کند.

اینها فقط چند نمونه است ، شبه نظامیان در سراسر کشور به صحنه آمده اند. مردم برای محافظت از خود در پشت رهبران سنتی که قبلاً توانائی نظامی خود را در طول جنگ علیه اتحاد جماهیر شوروی نشان داده اند ، بسیج می شوند.

در حالی که به نظر می رسد این رهبران آخرین سد پیشروی طالبان هستند ، اقدامات آنها سوالات جدی بسیاری را بر می انگیزد. بسیاری از آنها با راه اندازی شبکه های گسترده قاچاق مواد مخدر و سایر مشاغل غیرقانونی قدرت و شهرت خود را به دست آورده اند. علاوه بر این ، آنها هیچ اکراهی از استفاده از خشونت ندارند. اگرچه ظهور شبه نظامیان مورد استقبال دولت قرار گرفت ، اما این امر ناتوانی دولت در محافظت از مردم خود را برجسته می کند. دولت در مقابل عملی انجام گرفته باید در برابر اراده شبه نظامیان سر تعظیم فرود آورد ، زیرا توانایی باز کردن جبهه ای جدید را ندارد. مبارزه با طالبان به نظر کافی یک چالش به نظر می رسد ، بنابراین دولت چاره ای جز استقبال از گروه های «ضد شورشی» ندارد. در بعضی موارد ، او حتی به جایی رسیده که آنها را مسلح کند.

## Orient XXI .

نشریه اینترنتی درباره سیاست، فرهنگ، اجتماع، اقتصاد، دیپلماسی ژوئیه ۲۰۲۱

با این حال ، ظهور شبه نظامیان نگرانی های زیادی را ایجاد می کند. بسیاری هراس دارند که این تنها یک راه حل کوتاه مدت و به معنای بازگشت به جنگ داخلی باشد. شبه نظامیان در کنار ارتش رسمی اما کاملاً مستقل می جنگند. در صورت شکست دشمن مشترک، آیا آنها خلع سلاح می شوند ؟ یا با برجسته کردن فداکاری هایشان در طول جنگ ، ادعای مشروعیت برای گرفتن قدرت را نمی کنند ؟ پس از خروج شوروی ها از افغانستان ، همین گروه های شورشی کشور را برای دستیابی به قدرت ، به هرج و مرج کشاندند. هرج و مرجی که کشور هنوز بعد از بیست سال بعد تلاش نتوانسته به آن پایان دهد.

در همان حالی که غیرنظامیان برای دفاع از خود در برخی مناطق اسلحه به دست می گیرند ، دو واقعیت در حال ظهور است. از یک سو اکثر مردم از بازگشت به قدرت طالبان حمایت نمی کنند. خاطرات رفتار وحشیانه آنها در گذشته هنوز در حافظه ها زنده است. و از طرف دیگر ، دولت بدون تکیه بر بازیگران غیر دولتی مانند جنگ سالاران ، قادر به کنترل کل قلمرو نیست. سرنوشت کشور در میزانی اندوه بار ، بین بازگشت طالبان به قدرت یا یک جنگ داخلی طولانی مدت در نوسان است.